



راهی به آینده بهتر برای «حرکت و ورزش» به عنوان یک موضوع مدرسه‌های

نویسنده: دکتر بارت کرام
ترجمه و تألیف: دکتر جواد آزمون
استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی
دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

اشاره

دیگری بر «آنچه باید باشد» (جنبه‌های آرمانی و استدلالی). او همچنین بنا بر زمینه‌های تاریخی، پنج مفهوم عمده برای تربیت بدنی بدین شرح قائل است که همگی اروپایی هستند:

۱. مفهوم تربیت جسمانی: این مفهوم مبتنی بر یافته‌های زیست‌شناختی است و ریشه در رشد و توسعه ژنمناستیک سوئدی دارد. اهداف آن تعلیم و آموزش متغیرهای آناتومیکی (وابسته به کالبدشناسی) و فیزیولوژیکی (وابسته به علم وظایف الاعضا) است.
۲. مفهوم تعلیم و تربیتی «تربیت از طریق حرکت»: این مفهوم به دیدگاه‌های گوتس موش و آنچه «مکتب اتریشی تربیت بدنی» نامیده می‌شود، منتسب و اهدافش به‌طور خلاصه «رشد فردی همه‌جانبه» است.

۳. مفهوم فردگرایانه تعلیم حرکتی: این مفهوم برخاسته از دیدگاه اندیشمندان هلندی چون گوردیجن و تام بوئراست که هدفشان تحقق هویت و قابلیت حرکتی فردی بوده است.

آنچه در این مقاله می‌خوانید، بخشی از برگردان سخنرانی دکتر بارت کرام^۱ هلندی با عنوان «راهی به آینده بهتر برای حرکت و ورزش» به عنوان یک موضوع مدرسه‌ای است. این سخنرانی به دعوت پروفیسور جرزی پاسپیچ^۲ و همکارانش در دانشگاه‌های «روک لاو» در اکتبر ۲۰۰۷ ایراد شد. کرام ابتدا متذکر می‌شود که اساساً در زبان هلندی از بیان واژه «تربیت بدنی»^۳ به دلیل معنای ضمنی دوگانه آن پرهیز می‌شود. وی معتقد است که موضوع مورد بحث تربیت بدنی «بدن» یا «جسم» نیست، بلکه در این مبحث در خصوص «حرکت کودکان» صحبت می‌شود و برای همین، کرام نیز همچون سایر هلندی‌ها ترجیح می‌دهد که به جای «درس تربیت بدنی» از عبارت «آموزش حرکت و ورزش» به عنوان یک ماده درسی نام ببرد. بخش دوم این مطلب را در شماره آینده مطالعه خواهید کرد.

کرام عبارت «مفهوم تربیت بدنی» را به دو عبارت «مفهوم موجود تربیت بدنی» و مفهوم «مطلوب تربیت بدنی» تقسیم کرده است، که یکی ناظر است بر «آنچه که هست» (جنبه‌های عملی، فعال و قابل مشاهده در مدرسه) و

گروه‌های تربیت‌بدنی آن را به کار می‌بردند. «تربیت‌بدنی و ورزش» نیز عنوانی مشهور برای این رشته و به اعتقاد زیگلر متداول‌ترین واژه‌های به کار رفته در جهان است. «علوم فعالیت‌های جسمانی» نام پیشنهادی دیگری برای این رشته است. اخیراً در مطالعه‌های جهانی که متخصصان تربیت‌بدنی در همه قاره‌ها انجام دادند، اتفاق نظر و اجماعی روی نام صورت گرفت و عبارت «تربیت‌بدنی و ورزش مدرسه‌ای» (بیلی و دیسمور، ۲۰۰۴) به مثابه عنوان جدیدی در کنار اسامی قبلی مطرح شد. «تربیت‌بدنی و ورزش مدرسه‌ای»^۴ نیز به فعالیت‌های جسمانی سازمان‌یافته و نظارت شده‌ای اطلاق می‌شود که دانش‌آموزان در مدرسه و در خلال دوران تحصیل انجام می‌دهند (آزمون، ۱۳۹۰).

اگر چه نام مطرح شده در این مقاله توسط سخنران، دیدگاهی دیگر محسوب می‌شود، از این‌جا می‌توان دید که تربیت‌بدنی به‌عنوان یک حوزه علمی پویا در کشور ما خصوصاً در تنظیم سند ملی و برنامه درسی ملی، محل مناقشه نام شده است، نگارنده به‌عنوان فردی مطلع که تجربیات و آثاری در این زمینه دارد و عضو گروه برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و معلمی است که در دانشگاه روش تدریس و تربیت‌بدنی در مدارس را تدریس می‌کند، ترجمه و نشر این مقاله را ضروری و لازم تشخیص داد تا شاید

مرجعی برای رفع مجادلات و مناقشات بر سر حوزه یادگیری «تربیت‌بدنی و سلامت» باشد و حوزه مستقلی با عنوان «آموزش حرکت و ورزش» در برنامه درسی ملی تعریف و برنامه درسی تربیت‌بدنی در دوره‌های گوناگون تحصیلی با این نام برنامه‌ریزی و اجرا شود.

ترجمه متن اصلی سخنرانی
من امروز روی این سؤال تمرکز

۴. مفهوم سنت گرایانه جامعه‌پذیری (سازگار کردن با جامعه) ورزشی: این مفهوم برخاسته از رویکرد آلمانی به تربیت‌بدنی است که هدفش آمادگی جسمانی و ارتقای توانایی‌های تکنیکی و تاکتیکی مورد نیاز برای حضور در برنامه‌های ورزشی شناخته شده بوده است.

۵. مفهوم نقادانه - سازنده جامعه‌پذیری حرکتی: این مفهوم که برخاسته از دیدگاه شخصی کرام است، اهدافی چون بهبود قابلیت‌های فنی - حرکتی، اجتماعی - حرکتی و تفکری را که برای رضایت شخصی و اجتماعی و مشارکت مادام‌العمر در پرورش حرکتی مورد نیازند، دنبال می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حرکت و ورزش، موضوع مدرسه‌ای

اهمیت و ضرورت موضوع و پیشنهاد

به زعم مترجم این مقاله، اهمیت پرداختن به این موضوع ناشی از مجادله‌های موجود بر سر نام آن در سطح دنیاست. علی‌رغم وجود مفاهیم مختلف و متنوع برای تربیت‌بدنی، هنوز هم بر سر «نام» آن مجادله وجود دارد. تلاش‌های فرانکلین هنری از سال ۱۹۶۴ را باید سرآغازی برای پایان دادن به مجادله انتخاب نام برای تربیت‌بدنی دانست. در پی این فراخوان و طی سال‌های متمادی، حداقل شش نام «تربیت‌بدنی»، «حرکت‌شناسی»، «علم تمرین»، «تربیت‌بدنی و ورزش»، «علوم فعالیت‌های جسمانی» و اخیراً «تربیت‌بدنی و ورزش مدرسه‌ای» عرضه و مصطلح شده است که هر کدام موافقان و مخالفانی دارد. به نظر می‌رسد اختلاف در نام ناشی از نوع نگرشی باشد که افراد به تربیت‌بدنی دارند. برخی آن را یک «حوزه»، برخی «رشته علمی» و برخی نوعی «حرفه» می‌دانند. برخی صاحب‌نظران معتقدند نام سنتی «تربیت‌بدنی» به‌علت حیطة محدودی که دارد، نمی‌تواند به‌طور آشکار ماهیت علمی رو به رشد این رشته را بیان کند. به علاوه، این نام پیوند بسیار نزدیکی با حرفه سنتی تدریس در مدارس دارد.

با شروع دهه ۱۹۶۰ برخی گروه‌های تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها عنوان خود را به «حرکت‌شناسی» تغییر دادند. طرفداران آن اعتقاد دارند که این عنوان بازتابی از توجه علمی رو به رشد به بسیاری از جنبه‌های حرکت انسان است. مخالفان آن نگرانی خود را از ناآشنا بودن آن برای عموم ابراز کردند. «علم تمرین» که گاهی با علم ورزش پیوند یافته است، و اصطلاح مشهوری است که در دهه ۱۹۹۰

با شروع دهه ۱۹۶۰ برخی گروه‌های تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها عنوان خود را به «حرکت‌شناسی» تغییر دادند. طرفداران آن اعتقاد دارند که این عنوان بازتابی از توجه علمی رو به رشد به بسیاری از جنبه‌های حرکت انسان است

خواهم داشت که «حرفه تربیت‌بدنی چه تغییراتی نیاز دارد تا جایگاه مستحکمی در برنامه تحصیلی اصلی مدارس در آینده پیدا کند؟» البته با سرلوحه قرار دادن این عبارت جورج سانتایانا^۵ که گفته است: «هر کسی گذشته را به یاد نیاورد، محکوم به تکرار آن است.» مبنای سخنرانی من در خصوص آینده تربیت‌بدنی، بر تعمق و تجزیه و تحلیل گذشته و وضعیت کنونی آن استوار است. در مدت زمانی که در اختیار دارم (۴۵ دقیقه)، درباره موارد زیر صحبت خواهم کرد:

۱. توصیف وضعیت اسفبار کنونی به طور خلاصه؛
۲. آسیب‌شناسی معضلات مرتبط با تربیت‌بدنی کیفی و تفسیر نظری دلایل آن؛
۳. چند پیشنهاد برای بهبود و پیشرفت.

۱. توصیف وضعیت اسفبار کنونی به طور خلاصه

تربیت‌بدنی قبل از اینکه بادبان‌هایش را در دریای متلاطم و خروشان برافراشته سازد، باید خود را برای تقابل با فشارهای قانونی مستمر و طولانی مدت آماده کرده باشد. تقریباً ۴۰ سال از زمانی که کنراد پاسکن^۶ درباره «سیه‌روزی ورزش مدرسه‌ای»^۷ نوشت می‌گذرد. در گذشته‌های نه‌چندان دور، لری لاکس این جمله مهم را بیان کرد: «اگر وجود تربیت‌بدنی در دبیرستان در قرن ۲۱ لازم و حیاتی است، بهتر است از مدل غالب و فعلی دست برداریم و از اول شروع کنیم». در سال ۱۹۹۳، من - یعنی بارت کرام - استنتاج کردم

که تربیت‌بدنی به یک بحران هویت جدی دچار است. اخیراً به‌خصوص بعد از اجلاس جهانی تربیت‌بدنی در برلین هم‌نوایی محزون و عبرت‌انگیز عقاید و دیدگاه‌ها را می‌توان شنید. من قصد پرداختن به جزئیات را ندارم اما می‌خواهم به یک سلسله مطالب مهم که اساساً از پیمایش جهانی هاردمن و مارشال^۹ در سال ۲۰۰۰، مطالعه مقایسه‌ای پاهسی و گریب^{۱۰} در سال ۲۰۰۶ و گزارش سال ۲۰۰۷ هاردمن به اتحادیه اروپا حاصل شده‌اند، اشاره کنم. البته در خصوص وضعیت تربیت‌بدنی اختلافات قابل ملاحظه بین کشورها وجود دارد (حتی در کشورهایی که تربیت‌بدنی در آن‌ها روبه رشد و شکوفایی بوده و در مسیر پیشرفت است)، اما مشکلات و نارسایی‌های زیر در بسیاری از کشورها و در سراسر جهان قابل مشاهده‌اند:

- شأن و منزلت پایین درس تربیت‌بدنی؛
- امتناع از اجرا و نادیده گرفتن درس تربیت‌بدنی؛
- کاهش ساعت برنامه درسی تربیت‌بدنی؛
- قصور در خصوص تربیت‌بدنی در دوره ابتدایی؛
- کمبود امکانات و تسهیلات؛
- معلمان کم صلاحیت؛
- سطح پایین استاندارد برنامه‌ها؛
- ضعف در برنامه‌های تربیت‌معلم تربیت‌بدنی؛
- اختلاف بین متن درسی برنامه درسی و برنامه درسی در عمل؛

- ناهماهنگی در اجرا (اختلاف میان حرف تا عمل).

اخیراً در یک نشریه آمریکایی تربیت‌بدنی، از قول یک استاد دانشگاه آمده است که اگر تربیت‌بدنی تجارت بود، ما ۱۵ سال قبل ورشکسته شده بودیم. خوش‌بختانه تربیت‌بدنی تجارت نیست ولی بدیهی است که اگر قرار باشد به‌عنوان یک ماده درسی مدرسه‌ای باقی بماند، باید نارسایی‌ها و کمبودهای آن برطرف شوند.

موضوعات مورد اشاره در بالا مسلماً به هم مرتبط‌اند.

با این وصف منطقی است، بین مشکلاتی که بیشتر جنبه سیاسی - مالی دارند (مثل کاهش ساعت برنامه درسی تربیت‌بدنی، قصور در خصوص تربیت‌بدنی در دوره ابتدایی، کمبود امکانات و تسهیلات) و مشکلاتی که معلول ضعف کیفی حرفه تربیت‌بدنی هستند، تفکیک قائل شویم. توجه و پرداختن به ابعاد نخستین طبقه‌بندی، یعنی جنبه‌های سیاسی، اعمال نفوذ

تربیت‌بدنی قبل از اینکه بادبان‌هایش را در دریای متلاطم و خروشان برافراشته سازد، باید خود را برای تقابل با فشارهای قانونی مستمر و طولانی مدت آماده کرده باشد



سازمان‌های ملی و بین‌المللی تربیت‌بدنی را می‌طلبید. در حالی که دومین طبقه‌بندی، به منظور آشکار ساختن علل کمبودها و نقصان‌ها، در درجه اول نیازمند تئوریزه شدن و تحقیق توسط محققان حوزهٔ تعلیم و تربیت ورزشی است.

۲. آسیب‌شناسی معضلات مرتبط با تربیت‌بدنی کیفی و تفسیر نظری دلایل آن‌ها

اخیراً در گفت‌وگوها دربارهٔ تربیت‌بدنی، با منظور خاص یا حتی

بدون منظور، از واژهٔ «کیفی» به‌طور فزاینده‌ای استفاده می‌شود. به هر حال، برای تجزیه و تحلیل وضعیت دردآور فعلی و طرح‌ریزی برای آنچه در آینده مدنظر است، داشتن معیارهای کیفی واضح و روشن ضرورت دارد. بنابراین به من اجازه بدهید که درک و فهم خودم را از «تربیت‌بدنی کیفی» برای شما بیان کنم.

نخستین موضوع «مشروعیت یا رسمیت» است. آیا تربیت‌بدنی می‌تواند به‌عنوان یک مادهٔ درسی که شایستهٔ قرار گرفتن در برنامهٔ تحصیلی اصلی مدارس ماست، معقول، موجه و قابل پذیرش باشد؟ من در پاسخ به این سؤال سه نظریه را به‌طور خلاصه بیان می‌کنم که باید در این بحث و گفت‌وگو به ترتیب و با رعایت تقدم و تأخر مدنظر قرار گیرند.

نظریهٔ اول: در جوامع مدرن - که به‌سبب امکانات حمل‌ونقل، و جایگزینی فناوری به‌جای نیروی کار، کم‌وبیش از مسیر اصلی خود منحرف شده‌اند - مشارکت در فعالیت‌های حرکتی (مثل بازی، تمرین، ورزش و حرکات موزون در اوقات فراغت) به کیفیت زندگی بسیار کمک می‌کند.

نظریهٔ دوم: رضایت شخصی از حضور مستقل در عرصهٔ فعالیت‌های حرکتی و استمرار این حضور نیازمند مجموعه قابلیت‌هایی است که به‌طور خودجوش در مردم به‌وجود نمی‌آیند، بلکه نیازمند فرایند یاددهی - یادگیری سازمان یافته هستند.

نظریهٔ سوم: واضح است که هر نوجوانی برای حداقل ۱۲ سال به مدرسه می‌رود؛ مدرسی که به لطف بهره‌مندی از معلمان متخصص تربیت‌بدنی، در قبال معرفی فعالیت‌های حرکتی به دانش‌آموزان و ایجاد یک سلسله قابلیت‌های حرکتی در آنان مسئول هستند.

نتیجه اینکه به همان اندازه که تدریس زبان یا ادبیات در مدارس مشروعیت دارند، تدریس حرکت و ورزش نیز

باید رسمیت و مشروعیت داشته باشد. همان‌طور که زبان، دانش‌آموزان را با فرهنگ و حوزهٔ ادبیات آشنا می‌سازد، تدریس تربیت‌بدنی نیز فرهنگ تحرک و حرکت را معرفی می‌کند. در جوامع مدرن از منظر تعلیم و تربیتی (پداگوژیکی)، هر دوی این درس‌ها لازم و ضروری هستند. برای اطلاع بیشتر از این مبحث، شما را به مطالعهٔ مقالاتم که در سال‌های ۱۹۸۶، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ منتشر شده‌اند، دعوت می‌کنم.

دومین موضوع به اهداف عینی (یا همان پیامدهای مورد انتظار) تدریس و آموزش حرکت و ورزش (و تربیت‌بدنی اگر مورد توجه باشد) مربوط می‌شود. چکیده‌ای از اهداف عینی در سطح عمومی چنین است: «فرصت دادن به دانش‌آموزان برای اینکه هویت حرکت خود را بسازند»؛ هویتی که خود مقدمهٔ حضور در عرصهٔ حرکت و کسب قابلیت‌های مورد نیاز برای زندگی مستقل، معقول، مستمر و رضایت‌مندانده است. با عنایت به اینکه رشد فردی مقدمهٔ اجتماعی شدن است، تفرد (فردگرایی) و اجتماعی شدن دو روی یک سکه هستند. پیامدهای یادگیری می‌باید سودمند باشند و دانش‌آموزان را برای زندگی آینده آماده سازند. پیامدهای مورد انتظار را در سطح عینی‌تر می‌توان به شرح زیر مشخص کرد:

- کسب هویت حرکتی شخصی.
- پیوند مثبت با تمرین (نرمش)، بازی، ورزش و حرکات موزون (چنانچه یاد نگیرد آن‌ها را دوست داشته باشید، نمی‌توانید شیوهٔ زندگی فعالی برای خود بسازید). من این هدف را «یادگیری عاطفی» می‌نامم.
- کسب صلاحیت در حل مشکلات تکنیکی - حرکتی. مشکلات تکنیکی - حرکتی مشکلات حرکتی در زمینهٔ حسی هستند؛ مثل گرفتن توپ، بستن یا باز کردن مسیری برای پاس‌کاری، سرویس کردن یک توپ تنیس، عبور از روی یک مانع، دویدن یک مسافت معین، شیرجه زدن در آب، شنا کردن در یک مسیر و غیره. در اینجا هدف «یادگیری تکنیکی - حرکتی» است.
- کسب صلاحیت در حل مشکلات اجتماعی - حرکتی. مشکلات اجتماعی - حرکتی به مشکلات بین فردی اطلاق می‌شود که ذاتی موقعیت‌های حرکتی و ورزشی هستند؛ مثل تفکر در خصوص کنار آمدن با پیروزی و شکست، به رسمیت شناختن خود به‌عنوان یک بازیکن در حین پذیرش هویت ورزشی دیگران، پذیرش کمک از دیگران و کمک به دیگران، من این هدف را «یادگیری اجتماعی - حرکتی» می‌نامم.

به همان اندازه که تدریس زبان یا ادبیات در مدارس مشروعیت دارند، تدریس حرکت و ورزش نیز باید رسمیت و مشروعیت داشته باشد

● استعداد دانشی و تفکری (ژرف اندیشی). به این استعداد برای سازماندهی و قاعده‌مند کردن تمرینات و فعالیت‌های ورزشی نیاز است؛ مثل استعداد دانشی و تفکری برای حل یک مشکل قانونی یا سازمان دادن یک تورنمنت مدرسه‌ای یا طراحی یک برنامه‌ی تمرینی برای بهبود استقامت خود. در اینجا هدف «یادگیری شناختی- تفکری» است.

● غنی‌سازی زندگی مدرسه‌ای (به‌ویژه از طریق فعالیت‌های فوق برنامه‌ی تحصیلی و درسی).

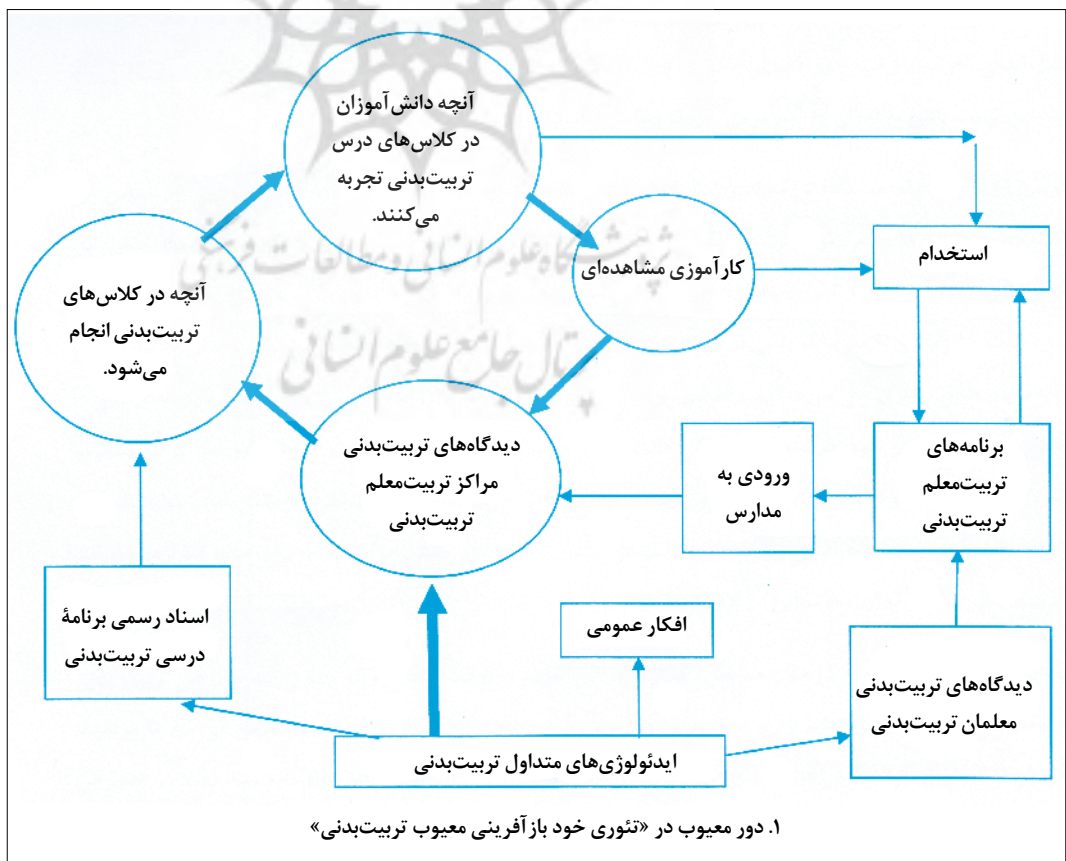
مشکلات اجتماعی - حرکتی به مشکلات بین فردی اطلاق می‌شود که ذاتی موقعیت‌های حرکتی و ورزشی هستند، مثل تفکر در خصوص کنار آمدن با پیروزی و شکست

تمرین و نرمش / ورزش / حرکات موزون؛
۶. غنی‌سازی زندگی مدرسه‌ای (به عبارت‌ی دیگر غنی‌سازی دوران تحصیل). متأسفانه ناچاریم ظهور این‌گونه استانداردهای کیفی را یک «انتظار» تلقی کنیم تا «قانون». چرا این‌طور است؟ نخستین پاسخی که لری لاکس^{۱۲} (۱۹۸۷) به این سؤال می‌دهد، این است که جامعه‌ی معلمان تربیت‌بدنی متفق‌القول و هم‌رأی نیستند و معتقدند که اولین وظیفه

و اولویت کاری معلمان تربیت‌بدنی کمک به یادگیری دانش آموزان است. به‌نظر می‌رسد که بسیاری از معلمان تربیت‌بدنی - شاید هم اکثر آن‌ها - واقعاً به تدریس و آموزش به‌عنوان یک ضرورت و عنصر محوری در حرفه‌شان متعهد نیستند. محصول چنین روندی ناهماهنگی است! این مشکل چطور ممکن است اتفاق افتاده باشد؟ جواب این سؤال را می‌توان در «تئوری خود بازآفرینی معیوب تربیت‌بدنی»^{۱۳} من یافت (کرام؛ ۱۹۹۰، b؛ ۱۹۹۳، a). من به‌طور خلاصه این تئوری را به کمک «دور معیوب»^{۱۴} (که تا حدودی ذهنی است) و در قالب شکل ۱ توضیح داده‌ام.

بنابراین، به‌عنوان سومین موضوع، در صورتی می‌توانیم از تربیت‌بدنی کیفی صحبت کنیم که سودمند و مفید باشد و به بروز پیامدهای زیر کمک کند:

۱. ایجاد و رشد هویت حرکتی شخصی؛
۲. یادگیری عاطفی مرتبط با حرکت / تمرین و نرمش / ورزش / حرکات موزون؛
۳. یادگیری تکنیکی - حرکتی؛
۴. یادگیری اجتماعی - حرکتی؛
۵. یادگیری دانشی - تفکری مرتبط با حرکت /



توضیحاتم را از بخش «ایدئولوژی‌های متداول تربیت‌بدنی» که در پایین شکل قرار دارد، آغاز می‌کنم. معتقدم که موقعیت متزلزل حرفه‌ی تربیت‌بدنی می‌تواند حداقل تا حدودی، توسط میراث ایدئولوژیک حرفه‌ی شرح و تفسیر شود. از اوایل قرن بیستم دو ایدئولوژی که برای بازشناسی بیشتر در دنیا تعلیم و تربیت به‌وجود آمده بودند، با تأثیرگذاری منفی (وارونه)، آگاهانه یا ناآگاهانه، به مسموم شدن دیدگاه‌ها و اعمال معلمان تربیت‌بدنی دامن زدند.

نخستین ایدئولوژی که مشخصه‌ی آن ایده «تعلیم و تربیت از طریق بدن و جسم»^{۱۴} است، ریشه در تعلیم و تربیت ایده‌آلیستی (آرمان‌گرایی، روش فکری کسانی که معتقدند سیاست باید تابع ایده‌آل‌های انسانی باشد - مترجم) آلمان و اتریش دارد.

پیروان این ایدئولوژی معتقدند که حرکت (به‌ویژه قواعد سنتی ژیمناستیک، بازی و ...) ظرفیت بالقوه‌ای (پتانسیل) برای رشد شناختی، زیبایی‌شناختی، اجتماعی و اراده‌ی کودکان دارد. هسته‌ی این ایدئولوژی که مدعی است تأثیرات عوامل توصیف شده در بالا بر رشد شخصیت و منش از طریق شرکت در فعالیت‌های حرکتی دارای ظرفیت بالقوه‌ی تعلیم و تربیتی، کم‌وبیش خودبه‌خود (اتوماتیک) به‌وجود می‌آیند، ایده «تعلیم و تربیت عملی (کارکردی)»^{۱۵} است. این ایده بسیاری از معلمان تربیت‌بدنی را به سمت این باور سوق داده است که تدریس ارادی (با قصد و هدف قبلی) - که وظیفه‌اش فقط سازماندهی خوب و مرتب جو و فضای حاکم بر فعالیت‌های دارای ظرفیت تعلیم و تربیتی است - ضرورتی ندارد. بنابراین تربیت‌بدنی به آسانی به «سرگرمی» نزول پیدا کرده است.

دومین ایدئولوژی که خاستگاهش سوئد و دانمارک است، از فلسفه «تجزیه‌گرایی زیستی»^{۱۶} که بر اساس آن همه پدیده‌ها را می‌توان به‌واسطه‌ی یک پدیده ساده‌تر شرح داد - مترجم) سرچشمه گرفته است. هسته‌ی اصلی این ایدئولوژی، ایده «آموزش و تمرین‌بدنی یا جسمانی»^{۱۷} است. به باور پیروان این مکتب، بدن انسان مثل یک ماشین یا یک شی، است که باید با تمرینات بدنی در فرم و شکل خوبی نگه داشته شود. تا مدتی پیش تربیت‌بدنی به‌عنوان یک محافظ در مقابل بیماری سل مورد تأیید و تصدیق بود، اما امروزه از آن به‌عنوان اسلحه‌ای برای مقابله با بیماری‌های قلبی - عروقی و چاقی یاد می‌شود. در نتیجه این تفکر، اهداف عینی تربیت‌بدنی به‌عنوان تأثیرات آموزشی در نظر

قاعده‌ی روش‌شناسانه اصلی و کلی عبارت است از: مشغول نگه‌داشتن دانش‌آموزان با تمرینات ساده‌ی تکراری. بنابراین «تربیت‌بدنی» به «فعالیت جسمانی» تنزل پیدا کرد

گرفته شدند و محتوای آن‌ها در چارچوب تمرینات ورزشی‌ای توصیف شد که بر حسب تأثیرات مورد نظر و یا بخش‌های بدن تنظیم می‌شدند. قاعده‌ی روش‌شناسانه اصلی و کلی عبارت است از: مشغول نگه‌داشتن دانش‌آموزان با تمرینات ساده‌ی تکراری. بنابراین «تربیت‌بدنی»^{۱۸} به «فعالیت جسمانی»^{۱۹} تنزل پیدا کرد.

دو ایدئولوژی معرفی‌شده - که هنوز هم به‌طور گسترده در این حوزه رایج‌اند (به‌یاد دارم که چطور چند سال قبل

تربیت‌بدنی به بحث داغ «سال اروپایی تعلیم و تربیت از طریق ورزش»^{۲۰} بدل شد و چطور امروز این حرفه تلاش می‌کند تا موقعیت خودش را از طریق گزاره‌گویی در مورد چاقی ارتقا دهد) - ذاتاً در فرض‌های بنیادی با هم متفاوت هستند (مثلاً در خصوص بدن، حرکت، کودکان و تحصیل). در گذشته آن‌ها غالباً برای کسب موقعیت منحصر به‌خود با یکدیگر جدل داشتند، اما اکنون بین آن‌ها مشابهت‌ها و هم‌وابی‌های قابل توجهی بدین شرح مشاهده می‌شود:

- هر دو ایدئولوژی مبتنی بر دوگانگی ذهن و جسم (یا تن و روان) هستند.
- در هر دو ایدئولوژی حرکت هدف نیست، بلکه به‌معنی اقدام به‌عمل است. در ایدئولوژی اول، حرکت وسیله‌ای برای ساختن شخصیت و شکل دادن به منش بوده و در دومین ایدئولوژی حرکت وسیله‌ای برای شکل دادن به بدن و افزایش توانایی‌های فیزیکی (کسب تناسب اندام و آمادگی جسمانی - مترجم) است.
- در هر دو ایدئولوژی ایده «جبران»^{۲۱} حکم‌فرماست. در ایدئولوژی اول، جبران ضعف تعلیم و تربیت واقعی در یادگیری و یاددهی موضوعات درسی و در دومین ایدئولوژی، جبران ضعف حرکتی در زندگی هر روزه مدرسه‌ای (دوران تحصیل - مترجم) مهم‌ترین نکته است.
- هر دو ایدئولوژی در خلال منازعه برای تصدیق عمومی تربیت‌بدنی (به رسمیت شناخته شدن تربیت‌بدنی برای عموم مردم - مترجم) شکل گرفته‌اند. همین‌طور، هر دو ایدئولوژی با بیان معانی قوی و مستدل ادعاهای خود را توصیف می‌کنند. حتی اگر شواهد نشان دهند که این ادعاها در شرایط مدرسه‌ای بررسی نشده‌اند (مقالات برت‌اشنایدر، ۲۰۰۷؛ ایوانز، ۲۰۰۳؛ ریچ و دیویس، ۲۰۰۴ را ببینید)، حرفه‌ی تربیت‌بدنی هنوز به سلامت بدنی و ساخت شخصیت برای توجیه خودش در افکار عمومی اشاره می‌کند.
- هر دو ایدئولوژی مروج فعالیت‌های فارغ از تدریس تربیت‌بدنی هستند. در حالی که ایدئولوژی اول کلاس‌های

6. Konrad Paschen
7. Schulsport- Misere
8. Larry Locke
9. Hardman, K.& Marshall, J.J.
10. Puhse, U.& Gerber, M.
11. Larry Locky
12. Theory of the self reproducing failure of PE (Physical Education)
13. Vicious Circle
14. education - through - the - physical
15. functional education
16. biological reductionism
17. training - of - the - physical
18. Physical education (PE)
19. Physical activity (PA)
20. European Year of Education through sport
21. Compensation

تربیت‌بدنی را نوعی زنگ تفریح نظارت شده یا سرگرمی می‌دانند، دومین ایدئولوژی تربیت‌بدنی را تمرین و تلاشی برای سلامت بدن به حساب می‌آورد. در زمانه‌ای که مدرسه‌ها خود را مسئول تدریس خوب و پیامدهای یادگیری مربوطه می‌دانند، چنین دیدگاه‌هایی مهلک و مخرب هستند. از این رو با الهام از گفته‌ی شکسپیر، این هشدار را تکرار می‌کنم که: «سؤال این است: تدریس کنیم یا نه؟!»

پی‌نوشت

1. Dr. Bart Crum
2. Prof. Jerzy Pospiech
3. Physical Education (PE)
4. Physical Education and School Sport (PESS)
5. George Santayana

